**انترناسیونال ۶۸۷**

**ترامپ، جمهوری اسلامی و اپوزیسیون راست**

متن گفتگوی تلویزیون کانال جدید با کاظم نیکخواه و اصغر کریمی

**کیوان جاوید**: چرا ترامپ انتخاب شد، برخورد اپوزیسیون جمهوری اسلامی، راست و چپ، به این پدیده چیست و چه تاثیری میتواند روی جمهوری اسلامی بگذارد؟ این سوالات را مقابل مهمانان برنامه اصغر کریمی و کاظم نیکخواه قرار میدهیم.

چرا اصلا ترامپ روی کار آمد؟ همه میگفتند راسیست و نژادپرست است، سکسیست است چه شد رای آورد؟

**اصغر کریمی**: حرفهایی که درمورد او میزنند درست است اما مردم به این خاطر به او رای ندادند. اولا نصف مردم آمریکا در انتخابات شرکت نکردند و آنها هم که رای دادند به کلینتون دو درصد بیشتر رای دادند. به این معنی ۷۵ درصد مردم به ترامپ رای ندادند. دو نفر را مقابل مردم میگذارند. انتخاب بیشتری جلو مردم نبود. سیستم انتخاباتی در این کشورها طوری است که مردم انتخاب بیشتری ندارند. ساندرز که در جناح چپ حزب دموکرات قرار میگیرد و میخواست بیمه های درمانی و حداقل دستمزدی تصویب کند و کلا سیاست معقول تری در مقایسه با بقیه کاندیدها داشت را خود حزب دموکرات با مکانیزم های درونی اش کنار گذاشت در حالیکه بشدت داشت محبوبیت پیدا میکرد. کلینتون را جلو صحنه گذاشتند که بشدت منفور است. در واقع دو کاندید خیلی منفور را جلو مردم گذاشتند و مردم باید یکی را انتخاب میکردند. ولی اینطور نبود که مردم گفتند ترامپ راسیست و ضد خارجی است و همان مقدار بیمه درمانی که در دوره اوباما تصویب شد را میخواهد پس بگیرد پس به این خاطر به او رای میدهیم! ترامپ خودش را علیه سیستم و هیئت حاکمه نشان میداد مردم هم بنادرست رفتند به او رای دادند. در رفراندمی که در انگلیس هم شد اکثریت با تفاوت کمی به خروج از اتحادیه اروپا رای دادند. اینطور نبود که مردم بررسی کردند که اگر از اتحادیه اروپا بیرون برویم وضعمان بهتر میشود. اینجا هم رای مردم ناشی از نارضایتی عمیقشان بود. مردم از سیستم ناراضی هستند و چون احزاب حاکم طرفدار ماندن در اتحادیه اروپا بودند مردم در تقابل با آنها به خروج از اتحادیه اروپا رای دادند. حتی رسانه های حاکم اعتراف میکنند که مردم از سیستم و هیئت حاکمه این کشورها ناراضی هستند. در نتیجه به احزاب دست راستی دیگری روی میاورند که جلو دست مردم گذاشته اند.

**کیوان جاوید**: بگذارید برویم سر موضوع ترامپ و ایران. کاظم نیکخواه اپوزیسیون راست، یعنی طیف سلطنت طلب و بقیه شاخه های جریانات پروغرب خیلی خوشحالند از اینکه ترامپ پیروز شد. میگویند شاید مقابله با جمهوری اسلامی حادتر بشود. یا طبق همان فرمولی که قبلا ها مطرح شد "رژیم چنج" دوباره در چشم انداز آمریکا قرار بگیرد. جمهوری اسلامی بیشتر تحت فشار قرار بگیرد. شخصیتهای اپوزیسیون راست یکی یکی ابراز خوشحالی میکنند. چرا اینطوری است؟

**کاظم نیکخواه**: بله میدانم. بعضی ها فورا تبریک گفتند و ابراز خوشحال کردند. بگذارید اول بگویم که این امید بستن این جریانات به ترامپ و دوره ترامپ پوچ است. ترامپ یک چیزی شبیه جرج بوش است. ترامپ در همان جناح قرار میگیرد. یعنی نئوکنسرواتیستها. یعنی کاملا از نظر شخصیتی توی آن خط و سیاست است. اینکه امروز آن خط چقدر شانس دارد بحث دیگری است که اگر فرصت بشود صحبت میکنیم. ولی بیشترین خدمت را به جمهوری اسلامی جرج بوش کرد. در عراق، در افغانستان و در کل منطقه. الان چه اتفاقی می افتد؟ حقیقت اینست که اینطور نیست که یک رئیس جمهور جدید آمده و هرکار خواست میتواند بکند. و گویا میزند و جمهوری اسلامی را عقب میراند و و و. بنظر من آمریکا نه در عراق شانس و امکان زیادی دارد که کار بیشتری بکند، جز همین کارهایی که در دوره اوباما دارد میکند، نه در افغانستان، نه در سوریه و نه در ایران. بنابرین این پوچ است که کسی فکر کند که ترامپ می آید و جمهوری اسلامی را سرکوب میکند و عقب میراند و امثال اینها. باید توجه کرد که ترامپ امروز یک شخص است. حتی علیرغم میل و سیاست امروز حزب خودش به قدرت رسیده. و محدودیتهای زیادی دولت آمریکا و سیاستهای آمریکا دارد. که نمیتواند کار چندانی بکند.

اما اپوزیسیون سلطنت طلب و ناسیونالیست و امثال اینها ناچارند به این نوع تبلیغات امید ببندند. چون اساسا راه و خط و امید و چشم انداز دیگری برای رو آمدن ندارند. جز اینکه روزی دولت آمریکا یا غرب کودتا بکند و یا به طریقی از بالا قدرت را از طریق به اصطلاح "رژیم چنج" بدست اینها بدهد. اما دوره این سیاست تمام شد. رژیم چنج شکست خورد. عقب رانده شد. نئوکنسرواتیستها کنار زده شدند. اینطور نیست که دوره نئوکنسرواتیستها دوباره شروع شده است. تازه همانطور که اشاره کردم نئوکنسرواتیستها موقعی که برو برو داشتند به بقای جمهوری اسلامی کمک کردند. بنابرین اینگونه که اینها میگویند نخواهد شد و رابطه با جمهوری اسلامی اساسا تغییر نخواهد کرد.

**اصغر کریمی:** اگر اجازه بدهید نکته ای اضافه کنم. کاظم نیکخواه توضیح داد که امثال سلطنت طلبان و مجاهد و حزب دمکرات کردستان ایران و طیف وسیعی از کسانی که از این جریان حمایت میکنند دارند بشکن میزنند که ترامپ انتخاب شده. ولی توهم دارند. تصور میکنند که جمهوریخواهان که سر کار بیایند فشار به جمهوری اسلامی بیشتر میشود و از آنها بیشتر حمایت میشود و به این معنی به ضرر جمهوری اسلامی است و این توهم را در میان مردم دامن میزنند و انتظار ایجاد میکنند. اما تحلیلشان بسیار سطحی و غیر علمی است، منطبق بر واقعیات دنیای امروز نیست، عوامفریبانه و گمراه کننده است. علاوه بر این ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی این جریانات را هم نشان میدهد. در ایران سینه چاک میدهند در دفاع از حقوق بشر کذایی کورش ولی کنار امثال ترامپ قرار میگیرند که ارتجاعی ترین، راسیست ترین، ضد کارگرترین، ضد زن ترین و ضد پناهنده ترین جناح هیئت حاکمه آمریکا است. اینها در ایران جرات نمیکنند همان حرفهای ترامپ را بزنند. ترامپ میگوید حداقل دستمزد بی حداقل دستمزد. نئوکنسرواتیسم اصلا یعنی خدمات جامعه را زدن و دستمزدها را کاهش دادن و بیشترین فشار به اکثریت محروم جامعه. اینها فکر میکنند این حرفها را در جای دیگری بزنند کسی توجه نمیکند. اما در همین بزنگاهها است که مردم ماهیت واقعی این جریانات را هم میشناسند.

**کیوان جاوید**: فکر میکنید بهرحال اوضاع تا آنجا که به جمهوری اسلامی مربوط میشود تغییری نخواهد کرد؟ مثلا گفته است برجام را پاره میکنم. فکر نمیکنید خط روحانی بهرحال که در پی سازش و تعامل با غرب بود و همین برجام را آورد و اینها، در برابر خط خامنه ای دچار عقب نشینی شود؟

**کاظم نیکخواه**: کلا سیاستهای ترامپ هنوز خیلی روشن نیست. اینها که اشاره کردید جزو تبلیغات انتخاباتیش بود. و خیلی زود یعنی اولین روزی که معلوم شد که پیروز میشه از خیلی از این تبلیغات عقب نشست. مثلا در مورد "بیمه های درمانی" اوباما گفت که قسمتهایی را نگه میدارد، در مورد برجام هم همینطور. اولا برجام فی الحال در گل گیر کرده است. میدانیم که روحانی با برجام تبلیغات راه انداخت. ظریف را سر دست بلند کردند. جنجالی که راه انداختند را میدانیم. دوماه طول نکشید که معلوم شد اینها همه پوچ است و اتفاق عجیبی نیفتاده است. اما بالاخره بحث بر سر اینست که در برجام جمهوری اسلامی را مجبور کردند از سیاستهای اتمیش عقب بنشیند.

بنظر من بیشترین فشار در دوره اوباما به جمهوری اسلامی وارد آمد. یعنی با تحریمهای اقتصادی و دیپلماتیک و ایجاد یک ائتلاف بین المللی جمهوری اسلامی را در سه کنج گذاشتند، شکستش دادند، مجبورش کردند که سیاستهای اتمیش را کنار بگذارد. الان ترامپ چکار بیشتری میخواهد بکند؟ میخواهد از اول دوباره تحریم ها را برگرداند؟ میخواهد دوباره ائتلاف بین المللی علیه جمهوری اسلامی ایجاد کند؟ نمیتواند. کسی کنارش نخواهد ایستاد. راستش اصلا چنین سیاستی را ندارد. مساله این بود که در کارزار انتخاباتی میخواست هیلاری کلینتون را بزند، اینگونه بحث میکرد. ترامپ از یک طرف اینها را در مورد برجام گفته و از طرف دیگر بارها گفته است که میخواهد رابطه اش را با روسیه و پوتین بهبود بخشد. خب اگر بخواهد با پوتین کنار بیاید و اگر بخواهد آنطور که گفته بشار اسد را در قدرت نگه دارد، اگر بخواهد این کارها را بکند مجبور است با جمهوری اسلامی هم بدرجه زیادی کنار بیاید.

اما سوالتان این بود که آیا هیچ تغییری در سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایجاد نخواهد شد. بنظر من در کوتاه مدت نزدیکی بیشتر با اسرائیل و نتانیاهو بیشتر از دوره اوباما خواهد بود، حتما فردا پوتین و ترامپ یک جایی همدیگر را ملاقات خواهند کرد، با شاه عربستان رابطه نزدیکی تری خواهد بود، با ترکیه و اردوغان رابطه نزدیک تری برقرار خواهد کرد. اینها در کوتاه مدت (و تاکید میکنم در کوتاه مدت) فضایی ایجاد میکند که فشار روی جمهوری اسلامی بیشتر میشود. اما در دراز مدت ظرفیت سیاستهای آمریکا بیشتر از این چیزی که الان هست نخواهد بود. یعنی قدرت مانور زیادی رئیس جمهور آمریکا بطور واقعی ندارد.

**کیوان جاوید**: برگردیم به سیاست جمهوریخواهان و ترامپ که سیاست های متفاوتی در مقایسه با دمکرات ها دارند. اوباما سیاستش باز کردن "مشت های گره کرده" بود ولی اینها مشت آهنین نشان میدهند. با روی کار آمدن این جناح فکر نمیکنید جمهوری اسلامی در عراق و یمن و سوریه بیشتر تحت فشار قرار میگیرد؟

**اصغر کریمی**: خود شما اشاره کردید که سیاست اوباما باز کردن مشت های فشرده و دست دادن با دیگران بود. این ناشی از موقعیتی بود که آمریکا در سطح بین المللی پیدا کرده بود. اینطور نبود که اوباما خواب نما شده بود و گفت باید در "جهت درست تاریخ" قرار بگیریم. علتش این بود که وضعیت آمریکا را هوشمندانه تشخیص داد که موقعیتش در منطقه و در سطح بین المللی پایین آمده بدلیل معضلات عظیم تری که دارد. در واقع دوره مشت های آهنین تمام شده که اوباما مجبور شد این حرفها را بزند. با انتخاب ترامپ که همه چیز عوض نمیشود. یکباره قدرت نظامی اش که بیشتر نمیشود که بتواند در یمن و سوریه و عراق دخالت بیشتری بکند. کار زیادی نمیتواند بکند ممکن است مقداری رجزخوانی بکند و جریانات اپوزیسیونی که اشاره کردم هم این تبلیغات را باد بزنند اما واقعیات سفت و سخت تری هست که ترامپ را مهار میکند. خود هیئت حاکمه آمریکا و حتی خود جمهوریخواهان به ترامپ میگویند از این خبرها نیست دیگر موقعیت سابق را نداریم درست است در مقابل اوباما تبلیغ میکنیم که موقعیت آمریکا در منطقه را ضعیف کرده است اما دست خیلی بازی هم نداریم. دیگر امکان لشگرکشی که به عراق کردیم را نداریم. فاکتورهای زیادی به زیان موقعیت آمریکا عمل کرده که به اینجا رسیده و کلا کار خیلی زیادی نمیتواند بکند. حداکثر اینکه کمی فشار به جمهوری اسلامی را بیشتر کند یا تحریم ها را سخت تر کند اما تغییر استراتژیکی ایجاد نمیکند. بعلاوه ممکن است بیشتر با بشار اسد و روسیه بسازد که به نفع جمهوری اسلامی است و در مجموع تغییرات اساسی در این زمینه ایجاد نمیشود.

**کیوان جاوید**: کاظم نیکخواه نظر شما در این رابطه چیست؟

**کاظم نیکخواه:** بگذارید خیلی خلاصه همین را تاکید کنم که این سیاستهایی که اپوزیسیون راست و سلطنت طلب ایرانی به آن دل بسته اند قبلا شکست خورده بود که بعدش اوباما سرکار آمد و سیاستهای "مشتهای باز" را مطرح کرد. یعنی قبلا شکستش را خورده و بعد وارد این مرحله شده اند.

**کیوان جاوید**: چرا جناح خامنه ای خوشحال است که ترامپ سرکار بیاید؟ چه سودی خامنه ای از این که کسی سر کار بیاید که بگوید برجام را پاره میکنیم و امثال اینها میبرد؟

**کاظم نیکخواه:** نمیدانم واقعا چقدر خوشحال باشند. اما کمتر از یک سال به انتخابات ریاست جمهوری اسلامی باقی مانده که باید تکلیف روحانی و دوره بعدیش تعیین بشود. روی کار آمدن ترامپ این بحث ها را در میان هیئت حاکمه ایران داغ کرده که حالا که یک سیاست خصمانه تری نسبت به جمهوری اسلامی در آمریکا حاکم شده، در ایران هم کسی باید بیاید که با مشتهای گره کرده با آنها طرف شود امثال جلیلی و یا احمدی نژاد! بهرحال وضعیت جمهوری اسلامی بهتر از قبل نخواهد بود. یعنی در هیئت حاکمه آمریکا فضای تبلیغات نسبت به جمهوری اسلامی خصمانه تر خواهد بود. رابطه با اسرائیل و امثال اینها. و همه انیها کمک میکند که جناح خامنه ای هم بتواند موضع سنتی ضد آمریکائی گری که بدون آن هویتی ندارد، را بیشتر داغ کند.

**کیوان جاوید**: امید بستن به آمریکا و دخالت غرب چرا در میان بخشی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی رایج است و چرا حساب روی آن باز میکنند؟

**اصغر کریمی**:‌ به این دلیل ساده که اتکا به مبارازت مردم ندارند. اینها مدتهای طولانی روی تهاجم نظامی و رژیم چنج تبلغ میکردند که واهی و دروغین بود. اینها اکثرا طرفدار حمله نظامی بودند که با واقعیت هم انطباقی نداشت و اینطور نمیشد جمهوری اسلامی را سرنگون کرد. یا طرفدار تحریم اقتصادی بودند و همچنان هم هستند که اینهم راهی برای سرنگونی جمهوری اسلامی نیست فقط دودش به چشم مردم میرود. اینها در ایران هم سیاست مترقی ندارند. در ایران هم تبلیغات اینها حول آب و خاک و تنب بزرگ و ابوموسی است. گفتمان هایی که این جریانات راه می اندازند یعنی سلطنت طلب ها و ناسیونالیست ها و مجاهد و کل نیروهایی که امروز از انتخاب ترامپ خوشحالند و دارند پیام تبریک به او میدهند ربطی به مبارزات مردم ندارد. همین امروز مردم ایران اعتراضات وسیعی دارند چقدر این مبارزات در رسانه ها و کلا سیاست این جریانات جا دارد. مردم بشدت ناراضی هستند. زنان اعتراض وسیعی دارند، جوانان وسیعا از مذهب دور میشوند، جنبش های اجتماعی عظیمی در ایران جریان دارد و اینها به این مبارزات بی ربط هستند. حزب کمونیست کارگری روی همین مبارزات تاکید دارد و سعی میکند آنها را تقویت کند و مردم را متحد و متشکل کند. معلمان، کارگران، دانشجویان و بخش های مختلف مردم را حول خواست های عادلانه شان تقویت کند. این سیاست واقعی تر هم هست برای شکست جمهوری اسلامی و سرنگونی آن، نه اینکه صرفا انسانی تر و بهتر باشد چون بطور واقعی با مبارزات مردم و انقلاب است که جمهوری اسلامی سرنگون میشود نه با رژیم چنج و حمله نظامی و تحریم و غیره که اینها تبلیغ میکنند. اپوزیسیون راست از تاریخ عقب است، به مبارزات مردم نامربوط است و در نتیجه مجبور است به امثال ترامپ و حمله نظامی امید ببندد و روی آنها حساب باز کند. دقیقا حمایت اینها از ترامپ بعنوان ارتجاعی ترین و راست ترین جریان در آمریکا، نشان میدهند خودشان هم چقدر ارتجاعی و دست راستی هستند.

نکته دیگر مقابله اینها با مبارازت مردم است. اینها هم مثل جمهوری اسلامی میخواهند به چشم مردم خاک بپاشند و مردم را گمراه کنند و نگذارد مردم در مسیر یک سیاست و اهداف و مطالبات انسانی و سوسیالیستی شان متشکل شوند. به همین خاطر گفتمان های گمراه کننده ای مقابل مردم میگذارند و سعی میکند مردم را متوهم کنند و اهداف ضد مردمی شان را تبلیغ میکنند.

**کیوان جاوید**: کاظم نیکخواه شما نظرتان در این مورد چیست؟

**کاظم نیکخواه**: یک نکته که قابل توجه است اینست که ما داریم در مورد جریاناتی در اپوزیسیون صحبت میکنیم که مدام بحثشان در مورد "وطن" و خاک و میهن و مرز و اینهاست. اما همه شان سرشان به قدرتها و جریانات خارجی بند است و آبشخورشان در جاهای دیگری است. یعنی فرض کنید سلطنت طلبها. رژیم پهلوی را انگلیس ها سر کار آوردند و آمریکائی ها بردند. الان هم همه شان منتظرند ببیند دولت آمریکا چی میگوید و همان کار را بکنند. منظورم اینست که با اینکه ظاهرا آن "ملت" و ملیت و اینها که میگویند مربوط به داخل ایران و مردم است، کاملا بدون کمک قدرتهای خارجی، بدون وابستگی و سرسپردگی و توطئه و کودتای دولتهای غربی، چیزی ندارند. واقعا هم یک جریان سلطنت طلب چه جوری میتواند امید رسیدن به قدرت را داشته باشد؟ اگر انقلاب بشود یعنی مردم با قدرت خودشان حکومت را سرنگون کنند، هیچ جای دنیا سابقه نداشته که مردم یک شاه را به دست خودشان بالای سر خود بیاورند. یا دولت آمریکا و کشورهای دیگر کودتا کرده اند، یا سازمان سیا. یعنی امید و استراتژی و چشم اندازی جز اینکه قدرتی از خارج با توطئه کمکشان کند ندارند. اگر مردم انقلاب کنند خودشان سرکار می آیند چرا شاه بیاورند بالای سر خودشان؟ چرا ولیعهد بیاورند؟ چرا یک ژنرال ارتشی را بالای سرخودشان بیاورند که سرکوبشان کند؟ منظورم اینست که جالب است که توجه کنیم که این جریانات بدون استراتژی "رژیم چنج" یعنی توطئه قدرتهای خارجی شانسی برای سهیم شدن در قدرت ندارند.

یک نکته دیگر را هم اضافه کنم. توی همین پیامی که دیدم رضا پهلوی داده بود از ترامپ میخواهد که به ملت ایران کمک کند که در ایران "انتخابات آزاد" برگزار شود. معلوم نیست انتخابات آزاد در ایران یعنی چی. جز اینکه منظورش این باشد که شما بیایید جمهوری اسلامی را بخاطر ما زیر فشار بگذارید و در سه کنج بگذارید که انتخابات بگذارد که ما هم در قدرت سهیم شویم. منظورم اینست که شانس و راه دیگری اپوزیسیون سلطنت طلب نه داشته و نه در آینده خواهد داشت.

**کیوان جاوید**: واقعا فکر نمیکنید روی کار آمدن فردی مثل ترامپ که واقعا چندش آور است آدمی با این مشخصات رئیس جمهوری یک مملکت شود؟ همین الان بزرگترین تظاهرات ها هم علیه اش شروع شده. ولی فکر نمیکنید این مساله جنبش های اعتراضی در ایران را از موضع راست تحت فشار قرار میدهد؟

**اصغر کریمی**: کلا قدرت گرفتن این جریانات در هیچ جای دنیا به نفع مردم نیست. به ضرر مردم آمریکا است، به ضرر مردم اروپا است، همین الان بعد از انتخاب ترامپ احزاب راسیستی در اروپا تحرک بیشتری پیدا کرده اند و امیدواری بیشتری برای قدرت گیری خودشان دارند. وقتی یک جریان فاشیست در جایی قدرت میگیرد به زیان همه مردم در ایران و در همه جای دنیا تمام میشود.

برعکس اگر جریان معقول تری در مقایسه با وضع موجود قدرت بگیرد و به دو خواست مردم هم توجه کند، به نفع مردم در همه جای دنیا است و مردم به ادامه مبارزه حول خواست های خود امیدوارتر میشوند. اجازه بدهید دو نکته را اینجا خیلی خلاصه توضیح بدهم:

یکی اینکه ترامپ اینطور نیست که موقعیت خیلی باثباتی پیدا میکند. بدلیل بحران عمیق در آمریکا و نارضایی وسیع مردم، حتی همان ۲۵ درصدی که به او رای دادند، از دستمزدشان، از شرایط زندگی شان و حتی از جنگ هایی که آمریکا در منطقه خاور میانه و شمال آفریقا کرده و قول داده دمکراسی به این کشورها میاورد ولی مردم میبینند که چه بلایی به سر مردم این کشورها آورده و فقط جنازه برمیگرداند و از همه اینها متنفرند. سالها تبلیغات دروغین به خورد مردم داده اند و مردم از همه اینها نارضایتی وسیعی دارند. به این معنی باید دید صف بندی و اعتراض در خود آمریکا و در سطح دنیا چیست. شما به صف بندی در ایران اشاره کردید اما صف بندی در آمریکا و اروپا علیه ترامپ و امثال او را هم باید ببینیم و این روی فضای ایران تاثیر مثبتی میگذارد. در ایران هم آنچه حاد است وزنه سنگین مبارزه مردم است اعتصابات کارگری، اعتراضات جوانان و زنان و بخش های مختلف مردم برای خواست هایشان علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی و غیره. مردم راه درستی انتخاب کرده اند و این وزنه مردم چنان سنیگین است که بنظر من انتخاب ترامپ و تبلیغات و رجزخوانی های غیر واقعی بخشی از اپوزیسیون تاثیر منفی محسوسی روی مبارزات مردم نمیگذارد. جز اینکه مردم ماهیت این جریانات را بهتر میشناسند.

نکته دیگر اینکه جامعه ایران باید بین چپ و راست انتخاب کند. خود این واقعه ترامپ میتواند چشم مردم را بازتر کند نسبت به اپوزیسیون. مردم میگویند این جریانات چه هستند که از یک میلیاردر مفتخور و ارتجاعی و راسیست یعنی ترامپ حمایت میکنند، اینها چه حس خانوادگی و جنبشی با هم دارند که اینطور خوشحال هستند. به این معنی مردم بیشتر باید متوجه شوند چپ را برای آینده این مملکت باید انتخاب کنند نه راست را. این مساله میتواند قطب بندی روشنی در ایران ایجاد کند و چشم مردم را بازتر کند.

**کیوان جاوید**: کاظم نیکخواه نکته شما در این رابطه چیست؟

**کاظم نیکخواه**: گفتید وضعیت مبارزه در ایران چه خواهد شد. اصغر کریمی هم اشاره کردند. واقعیت اینست که جمهوری اسلامی در سه کنج قرار گرفته است. مبارزات کارگری، مبارزات زنان، مبارزات جوانان، جنبش علیه اعدام، جنبش علیه سنگسار، جنبش ضد مذهبی. جنبشهای حق طلبی، جنبش برای رفاه و علیه زندگی زیر خط فقر. کسی که نگاه کند متوجه میشود که اینها واقعیت جامعه ایران است. این آن فاکتور یا فاکتورهایی است که جمهوری اسلامی را محاصره کرده است. اهدافش را عقب رانده، سیاستهای سرکوبگرانه اش را عقب رانده، مردم را جلو آورده، رهبران کارگری، معلمان، زنان و دانشجویان را جلو صحنه آورده است. اگر امیدی به آینده ایران باشد که هست، این امید را باید در اینجاها در این جنبشها دید. مردم باید قاعدتا امیدشان به اینها باشد. کسی که دنبال ترامپ و توطئه و کودتای آمریکائی است، در واقع میخواهد همین جنبشهای مردمی را از پیشروی و پیروزی باز دارد. در واقع میخواهد مردم را عقب بزند و با توطئه یک اقلیت مفتخور را دوباره موقعی که مردم حکومت را سرنگون کردند با توطئه سیا و آمریکا بالای سر مردم قرار دهد. وگرنه مردم دارند جلو میروند و مردم دستاورد و پیروزی دارند و ادامه این وضعیت چیزی جز سرنگونی حکومت نخواهد بود. اما با انقلاب مردم.